

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده حقوق

«پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل»

عنوان:

مشروعیت الحاق کریمه به روسیه از منظر حقوق بین الملل

استاد راهنما:

دکتر سید یاسر ضیایی

نگارنده:

حسین کاظمی فروشانی

زمستان 1393

سپاسگزاری

سپاس و ستایش خداوند منانی را که از شبم عشق او خاک آدم گل شد و روح پاک خود را در کالبد بشری دمید. خداوند متعالی که انسان را شایسته آموختن قرار داد و از گنجینه بی پایان حکمت خود آدمی را به آنچه که نمی دانست رهنمون گشت.

سپس بر خود واجب می دانم که مراتب تشکر و سپاسگزاری خود را به استاد فرزانه ام جناب آقای دکتر سید یاسر ضیایی تقدیم دارم. چرا که بدون تردید اگر سودی در پژوهش باشد حاصل ارشادات فاضلانه و عالمانه ایشان است.

همچنین بر خود لازم می دانم از تمامی اساتید بزرگوار به ویژه اساتید کارشناسی ارشد که در طول سالیان گذشته مرا در تحصیل علم و معرفت و فضایل اخلاقی یاری نمودند، تقدیر و تشکر نمایم و از خداوند متعال خیر و سعادت را برایشان آرزومندم.

در پایان از پدر و مادر عزیزم که با حمایت های همیشگی شان مرا در تمامی مراحل زندگی همراهی و یاری نموده اند و پشتیبان من بوده اند، از صمیم قلب سپاسگزارم.

فهرست مطالب

- 1..... بخش اول : مفاهیم، مبانی و پیشینه الحاق در حقوق بین الملل
- 2..... فصل اول - مفاهیم مرتبط با الحاق در حقوق بین الملل
- 2..... گفتار اول - تشکیل کشور
- 5..... گفتار دوم - تغییر حکومت
- 7..... گفتار سوم - فروپاشی
- 9..... گفتار پنجم - انضمام
- 10..... گفتار ششم - انضمام طلبی
- 11..... گفتار هفتم : بدست آوردن قلمرو
- 15..... فصل دوم - احترام به تمامیت ارضی کشورها و حق تعیین سرنوشت
- 16..... گفتار اول : حدود اصل احترام به تمامیت ارضی کشورها
- 16..... بند اول - احترام به تمامیت ارضی کشورها و جدایی طلبی
- 20..... بند دوم - گستره مفهومی تمامیت ارضی و برآیند حقوق بین الملل منشور
- 21..... الف - تمامیت ارضی به منزله تخطی ناپذیری حرمت مرزهای سیاسی
- 22..... ب - تمامیت ارضی به مفهوم اشغال و استیلای سرزمینی
- 23..... ج - پیوند تمامیت ارضی و استقلال سیاسی
- د - مداخله بشردوستانه بر اساس مسئولیت حمایت بین المللی از حقوق بشر در فراسوی مرزهای سیاسی
- 24.....
- 24..... بند سوم - اصل عدم مداخله در حقوق بینالملل
- 27..... الف. اصل عدم دخالت در امور کشورهای دیگر
- 27..... ب. الزام کشورها به عدم حمایت از سازمانی که علیه مصالح کشور دیگر اقدام می کند.
- 27..... گفتار دوم : حق تعیین سرنوشت
- 30..... بند اول - بررسی تعاریف ارائه شده برای اصل تعیین سرنوشت

- 33..... بند دوم - دموکراسی و حق تعیین سرنوشت مردم (وجه درونی)
- 37..... بند سوم - بررسی جایگاه حقوقی اصل تعیین سرنوشت
- 41..... فصل سوم - پیشینه الحاق در حقوق بین الملل
- 41..... گفتار اول - تیمور شرقی و دعاوی اندونزی، استرالیا و پرتغال
- 45..... گفتار دوم - الحاق آلمان غربی و آلمان شرقی
- 46..... گفتار سوم - اتحاد یمن شمالی و یمن جنوبی
- 48..... گفتار چهارم - قبرس و دعاوی یونان و ترکیه
- 50..... فصل چهارم - مبانی نظری جدایی و الحاق در حقوق بین الملل
- 51..... گفتار اول - موافقین جدایی و الحاق در رویه دولت ها و رویه های قضایی
- 52..... بند اول - رویه دولتها در تایید جدایی و الحاق
- 56..... بند دوم - رویه قضایی در تایید جدایی و الحاق
- 57..... بند سوم - دکترین تایید کننده جدایی و الحاق
- 59..... گفتار دوم - مخالفین جدایی و الحاق در رویه دولت ها و رویه های قضایی
- 59..... بند اول - رویه دولت ها در عدم تایید جدایی و الحاق
- 62..... الف - مغایرت جدایی یکجانبه با اصول حاکمیت و اصل تمامیت ارضی کشورها
- 63..... ب - اصل حق تعیین سرنوشت به معنای ایجاد حق جدایی در سرزمین های غیر استعماری نیست
- 64..... ج - عدم پذیرش جدایی یکجانبه در ارکان مختلف سازمان ملل متحد
- 66..... د - استناد به اسناد منطقه ای
- 66..... ر - استناد به رویه دولت ها
- 66..... ز - استناد به نظریات نهادهای شبه قضایی بین المللی
- 67..... بند دوم - رویه های قضایی در عدم تائید جدایی و الحاق
- 71..... بند سوم - دکترین عدم تایید جدایی و الحاق
- 75..... بخش دوم : جایگاه الحاق شبه جزیره کریمه در حقوق بین الملل

78.....	فصل اول- جدایی کریمه و حقوق بین الملل
80.....	گفتار اول - تحولات ارضی در رابطه با شبه جزیره کریمه از منظر حقوق بین الملل
80.....	بند اول - کریمه و الحاق سرزمینی به روسیه
90.....	بند دوم - ابعاد حقوقی تحولات کریمه
100.....	گفتار دوم - تحولات حکومتی در رابطه با شبه جزیره کریمه از منظر حقوق بین الملل
112.....	گفتار سوم - جامعه بین المللی و شناسایی وضعیت کریمه
117.....	فصل دوم- الحاق کریمه و حقوق بین الملل
118.....	گفتار اول- سابقه موارد الحاق با حمایت نیروی خارجی
118.....	بند اول - جدایی گرجستان از ایران
118.....	بند دوم - جدایی افغانستان از ایران
119.....	بند سوم - جدایی تگزاس از مکزیک
119.....	بند چهارم - جدایی پاناما از کلمبیا
119.....	بند پنجم - الحاق اتریش به آلمان
120.....	بند ششم - جدایی سودت از چک
120.....	بند هفتم - جدایی قبرس ترک نشین از قبرس
120.....	بند هشتم - جدایی آبخازیا و اوستیا از گرجستان
121.....	بند نهم - جدایی قره باغ از جمهوری آذربایجان
121.....	گفتار دوم- کریمه و مشروعیت الحاق سرزمینی به روسیه
128.....	بخش سوم: آثار الحاق شبه جزیره کریمه از منظر حقوق بین الملل
130.....	فصل اول - تاریخچه
131.....	گفتار اول - تعریف جانشینی
132.....	گفتار دوم - انواع جانشینی در اواخر قرن بیستم
132.....	بند اول: جانشینی در شکل جدایی

- 134 بند دوم: جانشینی در شکل تجزیه
- 134 الف: تجزیه شوروی
- 136 ب: تجزیه چکسلواکی
- 137 بند سوم: جانشینی در شکل وحدت
- 137 گفتار سوم: انواع جانشینی در اوایل قرن بیست و یکم
- 137 بند اول - جدایی مونتنگرو از صربستان
- 137 بند دوم: اعلام استقلال یکجانبه کوزوو
- 138 بند سوم: فرآیند جانشینی در قضیه اوستیای جنوبی
- 140 بند چهارم: وضعیت استقلال آبخازیا
- 143 فصل دوم - مسائل حقوقی ناشی از الحاق
- 143 گفتار اول - آثار جانشینی از نظر تابعیت
- 145 گفتار دوم - آثار جانشینی از نظر اقتصادی
- 145 بند اول - آثار جانشینی بر اموال
- 145 الف - اموال دولتی
- 146 ب - اموال خصوصی
- 147 بند دوم - آثار جانشینی بر آرشیو (اسناد)
- 148 گفتار سوم - آثار جانشینی بر دیون و مطالبات خارجی دولتی
- 150 گفتار چهارم - آثار جانشینی بر اعمال حقوقی نظم داخلی
- 150 بند اول - اثر جانشینی بر حقوق عمومی
- 150 بند دوم: اثر جانشینی بر نظام های حقوقی داخلی
- 151 گفتار پنجم - آثار جانشینی بر اعمال حقوقی نظم بین المللی
- 151 بند اول - آثار جانشینی بر معاهدات
- 151 الف: اثر جانشینی بر معاهدات از حیث نوع معاهده

151	1- معاهدات شخصی (قراردادی).....
152	2- معاهدات عینی
154	3- سایر معاهدات.....
154	ب: اثر جانشینی بر معاهدات از حیث نوع جانشینی
154	1- انضمام و واگذاری.....
154	2- استقلال.....
155	3- جدایی (انفکاک) و تجزیه
155	4- وحدت
156	بند دوم: اثر جانشینی بر مسئولیت بین المللی
158	بند سوم: اثر جانشینی بر عضویت در سازمان های بین المللی
159	بند چهارم: آثار جانشینی بر حقوق مکتسبه
161	بند پنجم: آثار جانشینی بر امتیازات
163	جمع بندی.....
	پیوست
167	منابع.....

چکیده

اصل حق حاکمیت دولتها و همچنین اصل حق تعیین سرنوشت همواره مورد پذیرش حقوق بین الملل سازمانهای بین المللی و همچنین دولتها قرار گرفته است. حال آنکه در بسیاری از مواقع اقلیت ها، نژادهای گوناگون قومی، دینی، فرقه ای و... باتوجه به وضعیت خود در کشورها اعم از عدم توجه لازم دولتها در حاکمیت و یا توقع اقلیتها و نژادها از حاکمیت که به دلایل متعدد مورد پذیرش آنها واقع نشده است، منتج به تلاشها و اقداماتی از سوی این گروهها می شود که از جمله حق استقلال، حاکمیت و حق جدایی از سوی یک کشور می شود. این درخواستها از طرفی علاوه بر مغایرت با اصل حق حاکمیت دولتها، با اصل حق تعیین سرنوشت همسویی دارد. تناقض اصول یادشده در بسیاری از موارد بصورت مسالمت آمیز با ارائه امتیازات بیشتر مرتفع می شود و در برخی از اوقات نیز به اقدامات خشونت آمیز می انجامد. روس تباران ساکن شبه جزیره کریمه پس از برگزاری یک همه پرسی غیردموکراتیک که با حضور نیروهای نظامی اعزامی از روسیه و عدم مشارکت اوکراینی تبارها و تاتارهای ساکن آنجا برگزار شد، از اوکراین جدا گردید و سپس با امضای سند رسمی به خاک روسیه منضم شد. اما عدم رعایت قوانین بین المللی از سوی دولت روسیه با اعمال مداخلاتی آشکار در امور داخلی اوکراین از قبیل تحریک روس تبارهای ساکن کریمه به جدایی با حمایت سیاسی از آنها و اعزام نیروهای نظامی پیش از برگزاری همه پرسی و تهدید دولت اوکراین به استفاده از زور با مجوز مجلس دومای روسیه و نقض اصل حاکمیت و تمامیت ارضی آن کشور، سبب خدشه دار شدن جدایی کریمه از اوکراین و همچنین عدم مشروعیت الحاق آن به روسیه از منظر حقوق بین الملل گردید.

واژگان کلیدی: حق حاکمیت دولتها، اصل حق تعیین سرنوشت، شناسایی، الحاق، شبه جزیره کریمه

مقدمه

الف : طرح مساله

بی تردید، حاکمیت یکی از عناصر و ویژگی های تشکیل دهنده دولت به شمار می رود. بدون حق حاکمیت، دولت وجود خارجی ندارد^۱. حاکمیت ها هرکدام دارای حقی برابر با یکدیگر هستند^۲ و باتوجه به همین حق حاکمیت، دولت توانایی اعمال قدرت در محدوده سرزمین خود را دارد.

حاکمیت از جمله مفاهیمی است که در بستر تغییر و تحولات زمان دچار تحولات بسیاری شده است به گونه ای که بر اثر این تغییر و تحولات صاحب نظران علم سیاست و حقوق تعاریف گوناگونی را از آن ارائه دادند. تفاوت در تعاریف مزبور به قدری ملموس است که حاکمیت را از مفهومی مطلق به سمت مفهوم نسبی و محدود رهنمون کرده است.

در حقوق عمومی، حاکمیت به معنی قدرت برتر، قدرت مافوق و قدرت مطلق و انحصاری هر کشور است^۳. اصل حاکمیت برای نخستین بار در قرن شانزدهم توسط ژان بدن فانسوی ابراز گردید و عده ای از فلاسفه و حقوقدانان دیگر نیز از او پیروی نمودند. این عده از دانشمندان، قدرت سیاسی یا قدرت حکومت را در نظام داخلی با حاکمیت در هم آمیختند و معتقدند که چنین قدرتی مافوق تمام قدرتهاست و جنبه غیر مشروط و مطلق دارد. طبق نظر آنان، در نظام بین المللی نیز حاکمیت به معنای عدم وابستگی به قدرت دیگر است. با توضیح مقررات بین المللی و توسعه روابط بین الملل و همبستگی بیشتر ملتها، مفهوم قدیمی و کلاسیک حاکمیت، بتدریج در تضاد آشکار با حقوق بین الملل جدید قرار گرفت و عنوان مطلق و انحصاری خود را از دست داد و به نفع حقوق بین الملل محدود گردید و کشورها آمادگی خود را جهت چنین محدودیتهایی اعلام داشتند.

۱. کنوانسیون مونته ویدئو راجع به حقوق و تکالیف دولتها، دولت را با این مشخصات تعریف می کند: " دولت به عنوان تابع حقوق بین الملل باید دارای شرایط زیر باشد: ۱- جمعیت دایمی، ۲- سرزمین معین، ۳- حکومت و ۴- حاکمیت" بنگرید به:

Montevideo Convention on the Rights and Duties of States, Date enacted:

۱۹۳۳/۱۲/۲۶, In force: ۱۹۳۴/۱۲/۲۶, Available at:

<http://www.internatrecht.unikiel.de/vernstaltungen/lehrveranstaltungen/sose2010/giegerich/vrll/materialien/publntLIIMontevideo.pdf>

۲. اعلامیه اصول حقوق بین الملل راجع به روابط و همکاری دوستانه میان دولتها در خصوص برابری حاکمیت دولتها بیان می دارد: " همه دولتها از برابری مبتنی بر حاکمیت برخوردارند. دولتها دارای حقوق و تکالیف برابرند و به رغم تفاوت های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره، اعضای برابر جامعه بین الملل شناخته می شوند." بنگرید به:

Declaration on Principles of International Law Concerning Friendly Relations and Co-operation among States in accordance with the charter of the United Nations, G.A. res. ۲۶۲۵, Annex, ۲۵ UN GARO, Supp (no. ۲۸), U.N. Doc. A/۵۲۱۷ at ۱۲۱ (۱۹۷۰), Available at: <http://www.umn.edu/humanrts/instreet/principles1970.html>.

۳. مانفرد، لاکس، حقوق بین الملل در سبیده دم در قرن بیست و یکم، ترجمه امیرحسین رنجبریان، مجله سیاست خارجی، ش ۱، پاییز ۱۳۷۳، صفحه ۱۴

در مجموع مفهوم حاکمیت از دیدگاه سنتی این است که: "حاکمیت عبارت است از قدرت برتر فرماندهی، یا امکان اعمال اراده ای فوق اراده ای دیگر است. هنگامی که گفته می شود دولت حاکم است، بدین معنی است که در حوزه اقتدارش دارای نیرویی است خودجوش که از نیروی دیگر بر نمی خیزد و قدرت دیگری که بتواند با او برابری کند، وجود ندارد. در مقابل اعمال اراده و اجرای اقتدارش مانعی را نمی پذیرد و از هیچ قدرت دیگر تبعیت نمی کند. هرگونه صلاحیتی ناشی از اوست ولی صلاحیت او از نفس وجودی او برمی آید"⁴.

آشکار است که واقعیات عصر حاضر نمی تواند این برداشت از حاکمیت را بپذیرد و نیاز جوامع بشری به تبعیت از نظم برتر که همان حقوق بین الملل می باشد حقوقدانان و سیاستمداران را بر آن داشته است تا مفهومی سازگارتر با نیازهای عصر حاضر ارائه نماید. برای نمونه ژرژ سل معتقد است: "حقوق بین الملل، حقوق جامعه بین المللی است. بنابراین به حکم ضرورت بر حقوق ملی مقدم است و اگر این اصل تقدم رعایت نشود حقوق بین الملل جنبه حقوقی و نیز تاثیرش را ازدست می دهد و بصورت اخلاق درمی آید. در صورت قبول اصل تقدم باید گفت که نظام های حقوق ملی نمی توانند نظام نهایی حقوق باشند و در نتیجه دولت دارای حاکمیت مطلق نیست"⁵.

همانطور که ملاحظه می گردد این نظریه با توجه به "اصل تبعیت"⁶ قایل به وجود سلسله مراتب حقوقی بوده و قوانین و مقررات حقوق داخلی را تابع قوانین و مقررات بین المللی می داند.⁷ در همین راستا لازم به ذکر است که نیاز به محدود نمودن حاکمیت تنها به این مبنی یعنی تبعیت از نظم برتر ختم نمی شود بلکه پیش از آن نیز برخی از طرفداران حقوق طبیعی و حقوق وضعی تمایل به محدود نمودن حاکمیت دولتها را با توجه به نظریه های مزبور مطرح نموده اند و برخی از حقوقدانان عصر حاضر نظیر دکتر بیگ زاده سابقه تمایل به محدودسازی حاکمیت را حتی منتسب به دوران ارسطو می داند و مبتنی بر این مفهوم است که انسان موجودی اجتماعی و آزاد می باشد که حقوق طبیعی آن را حمایت می کند. زیرا میان اجتماعی بودن و آزادی اش هماهنگی ایجاد می کند. در واقع اگر جامعه برای انسان ضروری است آن جامعه الزاما جامعه حقوقی است که توسط حقوق طبیعی اداره شده، آزادی انسان را تضمین و قدرت حاکم بر او را محدود می نماید.⁸

لذا اندیشه تحدید حاکمیت تنها به عصر حاضر منحصر نیست بلکه این نیاز از گذشته تا کنون بوده و تغییر و تحولات جامعه بشری بدان شدت بخشیده است. در تایید این نظریه می توان افزود که دبیر کل اسبق سازمان ملل متحد (پطروس غالی) چنین ابراز نموده است که: "احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی دولتها ضروری است اما

⁴ ابوالفضل، قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۸، صفحه ۱۸۷

⁵ . رضا، موسی زاده، بایسته های حقوق بین الملل عمومی، چاپ اول، میزان، تهران، ۱۳۸۰، صفحه ۲۱، به نقل از:

Scelle . G. Course de droit international public, paris, ۱۹۴۸, p. ۲۱.

⁶ . Le principe de subordination

⁷ . موسی زاده، منبع پیشین، صفحه ۲۰

⁸ . ابراهیم، بیگ زاده، جزوه درسی حقوق بین الملل عمومی، دوره کارشناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال دوم، سال تحصیلی ۱۳۸۷، صفحه ۲۱

دوران حاکمیت مطلق و انحصاری سپری شده است. حالا وظیفه رهبران دولتهاست که این مسیله را درک کنند و توازنی بین اداره صحیح جامعه خودشان و نیازمندی های دنیای به هم وابسته امروزی ایجاد کنند⁹. حقوقدانان و دانشمندان علوم سیاسی قرن بیستم، اختلاف نظر وسیعی در مورد مفهوم حاکمیت دارند. برخی حاکمیت را به معنی استقلال داخلی و خارجی دانسته اند؛ عده ای دیگر حاکمیت را با صلاحیت در هم آمیخته اند؛ دسته ای برای حاکمیت دو جنبه قائل شده اند: حاکمیت داخلی یا آزادی و حاکمیت خارجی یا استقلال و بالاخره تعدادی نیز عقیده دارند که در عصر حاضر، حاکمیت با نظریات جدید حقوق عمومی مغایر است.¹⁰ هیچ یک از نظریات ابرازی با واقعیت زمان به طور کامل منطبق نیست. بنابراین، در مرحله اول، آنچه مسلم است حقوق بین الملل جدید، حاکمیت کشورها را به رسمیت شناخته و بند اول ماده 2 منشور نیز بر این اصل صحه گذاشته است و در مرحله دوم هم حاکمیت در زمینه داخلی تحت تابعیت حقوق بین الملل قابل پذیرش است.¹¹

اما ذکر این نکته ضروری است که ارائه تعریفی منطبق با نیازهای عصر حاضر از حاکمیت دولتها پذیرش محدودیت هایی را اعم از ارادی و غیرارادی از سوی آنان می طلبد که باتوجه به اینکه قلمروی محدودیت حاکمیت هر دولت با توجه به قلمروی تعهدات بین المللی آن دولت متفاوت است، اهم این محدودیت ها که میان حاکمیت دولتها مشترک می باشد را می توان از قرار ذیل برشمرد:

دسته اول این محدودیتها در چارچوب قلمرو سرزمینی دولتها بررسی می گردد یعنی در قلمرو سرزمینی نسبت به حاکمیت سرزمینی از جنبه های گوناگون محدودیتهایی وارد شده است مانند تحدید حدود قلمرو سرزمینی دولت که زمانی واجد اثر در قلمرو بین المللی می باشد که با مقررات بین المللی اعم از قراردادی و عرفی سازگار باشد.¹²

دسته دوم محدودیت های حاکمیت دولتها از مجاری سازمان های بین المللی بررسی می گردد چراکه سازمان های بین المللی تاسیساتی هستند که برای پاسخگویی به نیازهای گوناگون جوامع مختلف انسانی در خارج از چارچوب فعالیت دولتها بوجود آمده اند.¹³

دسته سوم از محدودیت ها در چارچوب مراجع بین المللی بررسی می گردد بدین نحو که در جامعه بین المللی دولت ها بایستی با یکدیگر همکاری نمایند بدین ترتیب در راستای الزام به همکاری باید از ایجاد روابط خصمانه

⁹ . Report of the Secretary-General pursuant to the statement adopted by the Summit Meeting of the Security Council on 31 January 1992. An Agenda for Peace Preventive diplomacy, peacemaking and peace-keeping, A/47/277S/24111, 17 June, 1992, paragraph 17, available at : [http:// www.un.org/Docs/SG/agpeace.html](http://www.un.org/Docs/SG/agpeace.html).

¹⁰ . مانفرد ، لاکس، همان منبع ، صص ۱۷- ۲۷.

¹¹ . آنتونیو، کاسسه، حقوق بین الملل در جهانی نامتحد، ترجمه دکتر کلانتریان، تهران، دفتر خدمات حقوق بین المللی، ۱۳۵۰، صص ۴۵-۴۶.

¹² . برای توضیح بیشتر ر. ک به : عباس، تدینی ، حقوق بین الملل عمومی ۱ و ۲، چاپ اول، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، ۱۳۸۰، صفحه ۲۱۷

¹³ . پی یر، ژوریه ، سازمان های بین المللی، ترجمه : محد امین، کاردان ، چاپ اول، نشر مروارید، تهران، ۱۳۴۵، صفحه ۵.

خودداری نمایند که دولت‌ها برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات خود، به تاسیس مراجع بین‌المللی اقدام نمودند.¹⁴

دسته چهارم محدودیت‌های وارد بر حاکمیت دولتها در چارچوب حقوق بشر می‌باشد. بدین نحو که پیش از قرن بیستم دولتها بر این باور بودند که رفتار هردولت با شهروندانش خارج از حوزه حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد. اما بعد از جنگ جهانی اول، جامعه بین‌المللی به گونه‌ای فزاینده در صدد تضمین حقوق افراد برآمد.¹⁵ در نتیجه قوانین و مقرراتی را در سطح بین‌المللی وضع نمود که منجر به محدودیت حاکمیت دولتها در حوزه حقوق بشر گردید.

دسته پنجم مربوط به موارد محدودیت حاکمیت دولتها در حوزه قواعد و مقررات بشردوستانه در طول مخاصمات مسلحانه می‌باشد. چراکه یکی از بارزترین زمان‌هایی که کرامت ذاتی افراد و حقوق بنیادین بشر نقض می‌گردد و نیاز به حمایت دارد زمانی است که مخاصمه‌ای مسلحانه رخ می‌دهد. بدین ترتیب دولتها ملزم شده‌اند که تعهداتی را در راستای حمایت از افراد در زمان مخاصمات بپذیرند و رعایت نمایند.¹⁶

ششمین دسته از محدودیت‌های حاکمیت دولتها از مجاری کنترل تسلیحات و خلع سلاح بیان می‌گردد. با این توجیه که حمایت و حفاظت از افراد بشری جامعه بین‌المللی را بر آن داشته است تا محدودیت‌هایی را در خصوص تسلیحات بر حاکمیت دولتها وارد نماید.¹⁷

سازمان ملل متحد دو اصل حق تعیین سرنوشت ملت‌ها و حق حاکمیت ملی را به طرق مختلف از جمله بیان آن در منشور این سازمان و صدور قطعنامه‌های متعدد به رسمیت شناخته است.¹⁸ حق تعیین سرنوشت از طرفی دارای ارزش بالا و بنیادی است و از طرف دیگر مبهم و چالش‌برانگیز. ارزش والا چون امروزه جهت دستیابی به اصول حقوق بشر، این اصل را بنیادی‌ترین در این راستا می‌نامند و چالش‌برانگیزترین بدان جهت که در ظاهر امر تعریفی از این حق بدست نیامده و دامنه آن را پر از ابهام می‌دانند. بعلاوه چگونگی اعمال این حق را تا جایی مشروع می‌دانند که با اصول تمامت ارضی و حاکمیت دولتها و دیگر موازین سنتی و نیرومند حقوق بین‌الملل در تقابل نباشد. با مرور تاریخی روند و منشاء شکل‌گیری نقش‌ها و خشونت‌های بعد از پایان جنگ جهانی دوم، روند تدریجی پایان یافتن استعمار و حاکمیت یافتن سرزمین‌های تحت استعمار و انقیاد بیگانگان درمی‌یابیم، که انگیزه این تنش

¹⁴ . جواد، صدر، حقوق دیپلماتیک و کنسولی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۱، صفحه ۷۷

¹⁵ . Von Ghan.G, " Law Among Nations , An Introduction To Public International Law", Third printing, The Macmillan Company , New York, ۱۹۹۶, p. ۲۲۰.

¹⁶ . Von Ghan.G, optic, p. ۲۲۱

¹⁷ . هانس . جی، مورگنتا، سیاست میان ملت‌ها، مترجم: حمیرا، مشیرزاده، چاپ دوم، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۳، صفحه ۵۱۴.

¹⁸ . محمد علی، بهمن قاجار، "چگونگی اعمال حق تعیین سرنوشت، مجاز نبودن جدایی خواهی"، نشریه اطلاعات اقتصادی و سیاسی، شماره ۲۶۱-۲۶۲، صفحه ۷۵-۷۳

ها هدف تحقق تعیین سرنوشت است. حقوق بین الملل موضوعه حق گروههای ملی برای جدا شدن از دولت موجود را به صرف تمایل آنها به رسمیت نمی شناسد و وجود یا عدم وجود حق بخشی از مردم یک کشور که از طریق همه پرسی یا دیگر وسایل بتواند آینده سیاسی خود را تعیین کند تنها در اختیار دولت متبوع آنهاست.¹⁹ در واقع در دوره پس از جنگ جهانی اول به تدریج مفهوم آزادی و ناسیونالیسم در حقوق بین الملل بصورت مفهوم حق تعیین سرنوشت ظاهر گشت. با کمی تعمق ریشه اصلی این چالش و اهمیت مشخص شدن این مساله به تقابل همیشگی این اصل با اصل تمامت ارضی و وا همه حاکمیت ها از تجزیه طلبی و نقض حاکمیت دولت هاست.

موارد جدایی در گذشته که از جدایی ایالات متحده آمریکا تا جدایی شبه جزیره کریمه از اوکراین و انضمام به روسیه در سال 2014 را در بر می گیرد، موجب طرح مسائل مهمی شدند. کماکان این سوال باقی است که مبنی و مفهوم جدایی چه می باشد و اساس انضمام مشروع از سرزمینی به سرزمین دیگر بر اساس موازین حقوق بین الملل به چه شکل می باشد؟؟

ب : سوالات تحقیق

- 1- جدایی شبه جزیره کریمه از اوکراین و انضمام به روسیه از منظر حقوق بین الملل مشروعیت لازم را دارد؟
- 2- آثار این انضمام در صورت اثبات مشروعیت آن برای دولت جانشین (روسیه) به چه صورت طبق موازین و قوانین حقوق بین الملل می باشد؟

ج : فرضیه ها

- 1) جدایی شبه جزیره کریمه از اوکراین و متعاقب آن الحاق به روسیه با توجه به عدم شمول شرایط اعمال حق تعیین سرنوشت در کریمه و نقض قاعده آمره حقوق بین الملل توسط روسیه با تجاوز به خاک اوکراین و تصرف پایگاه دریایی و برگزاری رفراندوم در شرایط غیردموکراتیک با شرکت روس تبارها و عدم مشارکت سایر اقوام در آن در سایه اشغال مراکز دولتی توسط نظامیان لباس شخصی که از روسیه وارد کریمه شده بودند و تهدید اوکراین به توسل به زور با مجوز مجلس دومای روسیه، نامشروع می باشد.
- 2) وضعیت تابعیت اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی، معاهدات و قراردادهای، اموال دولتی و خصوصی، بدهی ها و طلب های شبه جزیره کریمه پس از جدایی از اوکراین و الحاق به روسیه طبق کنوانسیون جانشینی بر معاهدات، حقوق بین الملل عرفی و طرح کمیسیون راجع به جانشینی در تابعیت قابل بررسی

¹⁹ . Antonio Cassese, self-determination of peoples: A legal Reappraisal Cambridge University press, 1995, pp 28-29

است که در مجموع توازن در میان حقوق هر سه ملت اوکراین، روسیه و شبه جزیره کریمه برقرار کرده است. هر کدام از موارد مذکور باید تفکیک شده و با توجه به کنوانسیون جانشینی دولتها و عرف بین المللی و رویه قضایی بدان پاسخ داده شود.

د : اهداف و ضرورت تحقیق

هدف اصلی از تدوین این پایان نامه (در چارچوب مطالب مندرج در طرح مساله) نیل به دو مهم ذیل است :

1- با توجه به اینکه جنبش های جدایی طلب از آغاز دهه دوم قرن بیست و یکم در مناطق مختلف جهان بخصوص در منطقه خاورمیانه شکل گرفته که روند نظم جهانی و منطقه ای را با توجه به در خطر قرار گرفتن حاکمیت دولت ها بر مناطق تحت سیطره شان را با چالشها و مسائل جدی مواجه کرده که موجب بروز جنگ های نظامی داخلی نیز گشته همانند آنچه اکنون در شرق اوکراین در جریان است یا آنچه که شورشیان در سوریه و یمن یا آفریقای مرکزی و نیجریه در حال انجام دادن آن هستند، این ضرورت را ایجاب کرد تا در طول این پایان نامه به اصل مسئله جدایی طلبی و مسائل متعدد پیرامون آن با مطالعه موردی شبه جزیره کریمه پرداخت شود تا یکی از بزرگترین مشکلاتی که کلیه کشورها با آن ممکن است همواره مواجه شوند یعنی " جدایی طلبی " را از منظر قواعد و حقوق بین الملل مورد بررسی قرار داده و بدان پاسخ دهد.

2- از آنجایی که جمهوری اسلامی ایران هم با تنوع و تکثر اقوام گوناگون در داخل کشور روبروست که سابقه ادعاهای جدایی طلبی همانند آنچه که در استان آذربایجان در زمان زمامداری قوام السلطنه رخ داد و به جدایی منجر نشد یا برعکس در مورد بحرین به جدایی کشید، لذا موضوع مورد بحث این پایان نامه می تواند راهکارهای حقوقی و قانونی را از منظر حقوق بین الملل روشن نماید تا در صورت مواجهه با چنین معضلی چه اقداماتی مطابق با حقوق بین الملل باید صورت بگیرد تا به شکل قانونی مانع از جدایی مناطقی از کشور بویژه با توجه به مباحثی که سالهاست درباره جزایر سه گانه ایران مورد ادعای دولت امارت متحده عربی است، گردد یا در صورت امکان مناطق جدا شده در گذشته همانند بحرین بتواند طبق قواعد بین الملل مورد ادعای دولت جمهوری اسلامی ایران قرار بگیرد.

ه : سابقه علمی (پیشینه تحقیق)

هرچند که " اصل انضمام سرزمین " از جمله موضوعاتی است که کمتر کتاب حقوق بین الملل عمومی را می توان یافت که از پرداختن به آن مسامحه نموده باشد، اما در رابطه با عنوان پایان نامه مزبور یعنی " مشروعیت

الحاق شبه جزیره کریمه به روسیه " پس از کنکاش های مستمر در فهرست پایان نامه های موجود ، عنوانی مطابق با عنوان مزبور یافت نشد و این نخستین کاری است که درباره این موضوع در قالب پایان نامه صورت می گیرد.

هرچند در زمینه جانشینی دولتها کتابها و مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده است و همچنین آثاری را می توان در زمینه جدایی طلبی و موارد مرتبط با آن که مانند کوزوو بطور موردی نیز کار شده باشد پیدا نمود اما کتاب یا مقاله ای با مصداق مشخص الحاق شبه جزیره کریمه به روسیه با توجه به تازه بودن این موضوع تا کنون کار نشده است.

به طور کلی در زمینه انضمام و موضوع جانشینی دولتها با توجه به اهمیت بالای آن بخصوص پس از جنگ جهانی دوم و تاسیس سازمان ملل متحد و درج اصل حق تعیین سرنوشت بعنوان یکی از اصول اساسی و غیرقابل انکار منشور ملل متحد، کتب فراوانی در داخل و خارج تهیه و تدوین گردیده است. از جمله مواردی که در این زمینه کار شده می توان به اهم موارد در ذیل اشاره کرد :

1- کتاب " حقوق بین الملل " تالیف آنتونیو کاسسه و ترجمه حسین شریفی طراز کوهی که چاپ اول آن توسط نشر میزان در سال 1385 صورت گرفته است و در آن مباحث و مفاهیم حقوق بین الملل از جمله حق تعیین سرنوشت، انضمام سرزمین و مساله جانشینی دولتها را مطرح می سازد.

2- کتاب " حقوق بین الملل بشردوستانه :مخاصمات مسلحانه داخلی " تالیف جمشید ممتاز و امیرحسین رنجبریان که چاپ سوم آن توسط نشر میزان در سال 1387 صورت گرفت . در این کتاب ضمن پرداختن به مفاهیم و مبانی اصل حقوق بشردوستانه ، گذری به مسائل جنگ های داخلی و ابعاد آن از منظر حقوق بین الملل نیز دارد و اصل مذکور را بر مخاصمات مسلحانه داخلی تطبیق می دهد.

3- کتاب " درآمدی بر جدایی طلبی در حقوق بین الملل " تالیف سید یاسر ضیایی که توسط انتشارات شهر دانش در سال 1392 به چاپ رسید. مقالات تالیفی این کتاب مقالاتی هستند که پیش از این با همین عناوین و یا عناوینی دیگر در مجلات علمی مختلف توسط مولف به چاپ رسیده اند. در این کتاب ضمن انطباق محتوای مقالات بر موضوع "جدایی" سعی گردید تا با توجه به تحولات و گذر زمان، کلیات مقالات نیز به روز شوند.

4- مقاله " مفهوم جدید حاکمیت ملی یا فرسایش حاکمیت " اثر حسن روحانی که در مجله حکومت اسلامی، تابستان 1382، سال 8، شماره 28، صفحه 13-41 با این هدف که آیا حاکمیت مفهوم سنتی خود را حفظ کرده است یا نه ؟ ایراد شده است .

5- مقاله " تحولات مفهوم حاکمیت دولتها در پرتو اصل تعیین سرنوشت ملتها " ، اثر سیدجمال سیفی که در مجله تحقیقات حقوقی ، پاییز 1373 تا تابستان 1374، شماره 15 ، صفحه های 265-237 به چاپ رسیده است، به بیان تحول مفهوم حاکمیت در پرتو اصل تعیین سرنوشت می پردازد.

6- مقاله " استقلال کوزوو: بررسی مشروعیت جدایی یکجانبه در حقوق بین الملل " اثر ستار عزیزی که در مجله حقوقی، شماره 38، سال 1387 به چاپ رسیده به بررسی اصل حق تعیین سرنوشت و انطباق آن بر اوضاع و احوال کوزوو و دلایل مشروعیت جدایی یکجانبه کوزوو از صربستان می پردازد.

- پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان " بررسی کاربرد دو اصل حق تعیین سرنوشت ملتها و حق حاکمیت ملی در سازمان ملل متحد در مقایسه کوزوو و اوستیای جنوبی " توسط سکینه فرج زاده در دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) در سال 1390 تدوین شده است، این پایان نامه با این فرضیه که با توجه به رسمیت شناختن اصل حق تعیین سرنوشت توسط سازمان ملل ، به مقایسه عملکرد سازمان ملل در خصوص جدایی و استقلال کوزوو و اوستیای جنوبی می پردازد، به تالیف رسیده است.

8- پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان " بررسی حق تعیین سرنوشت در پرتو رای مشورتی و نظریات انفرادی قضات دیوان بین المللی دادگستری در قضیه کوزوو " توسط لیلی صمدی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز تدوین شده است، این پایان نامه با فرض اینکه دیوان جدایی طلبی را نه ممنوع و نه مجاز کرده و رویکردی احتیاط آمیز در قبال موضوع جدایی یکجانبه در وضعیت غیراستعماری در پیش گرفته، وضعیت استقلال کوزوو را در پرتو آراء و عملکرد دیوان با توجه به اصل حق تعیین سرنوشت ملتها مورد بررسی قرار می دهد.

بنابراین لازم به ذکر است که منابع موجود منابع موجود هیچ یک بطور اخص به موضوع انضمام شبه جزیره کریمه به روسیه نپرداخته اند و هدف از پژوهش در راستای پایان نامه تبیین و مشخص نمودن مشروعیت جدایی کریمه از اوکراین و انضمام آن به روسیه از منظر حقوق بین الملل و بررسی آثار حقوقی این انضمام از منظر حقوق جانشینی کشورها می باشد.

و: روش تحقیق

با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از کار اینجانب را مطالعه منابع لاتین و بررسی اسناد و مدارک بین المللی (به زبان انگلیسی) مرتبط با انضمام سرزمین در حقوق بین الملل در بر می گیرد، روش پژوهش در این پایان نامه در مرحله اول بر مبنای روش کتابخانه ای و فیش برداری می باشد.

در مرحله دوم سعی خواهد گردید تا اطلاعات علمی موجود در مقالات و سایت های اینترنتی استفاده شود و بدین ترتیب یک روش دیگر در انجام این پژوهش، روش استفاده از منابع موجود در شبکه اینترنت می باشد.

ز : ساختار کلی تحقیق

پایان نامه مزبور پس از بیان این مقدمه با توجه به حجم مطالب مورد بحث به سه بخش تقسیم شده است . بخش اول تحت عنوان " مفاهیم، مبانی و پیشینه الحاق در حقوق بین الملل " در سه فصل، کلیاتی راجع به الحاق را مورد توجه قرار داده است. در فصل اول مفاهیم مرتبط با الحاق در حقوق بین الملل مورد بررسی قرار گرفته است و در فصل دوم مبانی الحاق سرزمینی به سرزمینی دیگر با توجه به اصل تمامیت ارضی کشورها و حق تعیین سرنوشت مورد بحث قرار گرفته ، در فصل سوم پیشینه موارد الحاق ذکر گردیده است و در فصل چهارم نظریه الحاق براساس آراء مخالف و موافق برحسب آراء قضایی، رویه دولت ها و دکترین مورد نقد قرار گرفته است.

در بخش دوم جایگاه الحاق شبه جزیره کریمه در حقوق بین الملل در دو فصل جدایی کریمه و حقوق بین الملل و الحاق کریمه و حقوق بین الملل بحث می شود که باتوجه به اینکه موضوع اصلی پایان نامه می باشد کلیه حوادث رخ داده در کریمه از منظر حقوق بین الملل جهت مشروعیت یا عدم مشروعیت جدایی و الحاق صورت گرفته مورد کاوش قرار خواهد گرفت.

و در بخش سوم آثار الحاق شبه جزیره کریمه از منظر حقوق بین الملل در خصوص تابعیت و وضعیت معاهدات بین المللی شبه جزیره کریمه با توجه به حقوق معاهدات جانشینی دولتها و حقوق بین المللی عرفی مورد کاوش قرار خواهد گرفت.

بخش اول :

مفاهیم، مبانی و

پیشینه الحاق در

حقوق بین الملل

فصل اول - مفاهیم مرتبط با الحاق در حقوق بین الملل

کشور کامل ترین سازمان متشکل سیاسی، مهم ترین عضو جامعه بین المللی و به منزله یک نهاد حقوقی، عضو اصلی و اولیه و منظم و مقتدر جامعه بین المللی است و عامل برقراری روابط بین المللی و در نتیجه، شخص اصلی و تابع اساسی حقوق بین الملل است. در حقوق داخلی، کشورها به خودی خود یا به مناسبت روابطی که با افراد دارند، بررسی می شوند، در صورتی که در حقوق بین الملل، هر کشور فقط از نظر روابط و مناسباتی که با سایر کشورها فقط از نظر روابط و مناسباتی که با سایر کشورها و شخصیت های بین المللی دارد، مورد توجه است. از این رو، روابط میان این شخصیت های گوناگون موجب دخالت مقررات و قواعد بین الملل می شود.

گفتار اول - تشکیل کشور²⁰

کاره دومالبر²¹ در کتاب اساسی خود تعریف زیر را ارائه می دهد:

"جماعتی انسانی، مستقر در سرزمین مخصوص، با سازمانی که نتیجه آن برای گروه مورد نظر و در رابطه با اعضاء داوری نیروی برتر عملکرد، فرماندهی و اجبار است". تکیه فوق بیشتر بر عوامل ساختی دولت - کشور است، در حالی که دولت - کشور مفهومی انتزاعی از عوامل مذکور بوده در واقع کلیتی است جدای عوامل سازنده آن. کشور یا دولت در آن واحد تابع یا شخص حقوق عمومی داخلی و بین الملل است.²² حقوق عمومی داخلی، کشور یا دولت را تا مرزهای سرزمینی دنبال می کند و از آن پس، کشور یا دولت تابع حقوق بین الملل می گردد. در واقع، این حقوق بین الملل نیست که کشور یا دولت را ایجاد می کند بلکه تنها ضوابط و صلاحیتهای آن به عهده حقوق بین الملل است.²³

کشور کامل ترین سازمان متشکل سیاسی، مهمترین عضو جامعه بین المللی و عضو اصلی و اولیه جامعه بین المللی بوده که با برقراری روابط بین الملل، شخص اصلی و تابع اساسی حقوق بین الملل است. از دیدگاه حقوق بین الملل، کشور یا دولت از اجتماع دایم و منظم گروهی از افراد بشر که در سرزمین معین و مشخصی، بطور ثابت سکنی گزیده و مطیع یک قدرت سیاسی مستقل هستند تشکیل شده است.²⁴ پس چنین کشوری دارای حاکمیت

۲۰ . Creation of State

^{۲۱} Carre de Malberg . "مشارکت در تنظیم نظریه عمومی دولت"، جلد اول، ۱۹۲۰، ص ۷

^{۲۲} . در زبان فارسی گاهی به جای واژه کشور از دولت استفاده می شود در حایکه دولت دارای معانی متعددی از قبیل قوه مجریه، حکومت یا حتی هیئت وزیران است که معادل آن در زبان انگلیسی Government می باشد. اما کشور در حقوق بین الملل تعریف ویژه خود را دارد. مثلاً زمانی که گفته می شود دولت ایران با دولت روسیه معاهده همکاری نظامی یا اقتصادی منعقد کرده، هدف این است که دو جامعه بشری، به شکلی خاص و ملیتهایی حاکم با یکدیگر هم پیمان شده اند. دولت در این معنی، منطبق با معنی کشور در حقوق بین الملل است. و نویسنده نیز این کلمه را به معنی کشور مورد استفاده قرار داده است. برای مطالعه بیشتر ن.ک: ابوالفضل، قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸

^{۲۳} . Nguyen, Quoc Dinh, Droit International Public, ۲e ed, ۱۹۸۰, ۵e ed, ۱۹۹۴.

^{۲۴} . محمدرضا، ضیائی بیگلری، "حقوق بین الملل عمومی"، چاپ سی و سوم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۶، ص ۲۰۲.